

متن پرسش

سلام حاجی جان: چند سوال: ۱. اعتقاد شیعه اینه که همه پیامبران معصوم اند. خوردن حضرت آدم از درخت ممنوعه آیا گناه نبود؟ ۲. آیا حضرت آدم بعد از آن قول دادند که گناه نکنند؟ (چند تا از بچه ها می پرسیدن اگه حضرت آدم قول داده گناه نکنه ما هم پس نباید گناه کنیم. ۳. داستان حضرت یوسف در قرآن «هَمَّ بِهَا» یعنی چی؟ آیا حضرت یوسف هم تمایل پیدا کرد، که با عصمت منافات دارد؟ تعریف دقیق تقوا و ورع و تفاوت این دو چیه؟ در آخر اگه کتابی در مورد پاسخ به این شبهات سراغ دارید معرفی کنید. تشکر یا علی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- بحثی در کتاب «مبانی نظری نبوت و امامت» در رابطه با عصمت پیامبران شده است که به عنوان نمونه یکی از سؤالات مطرح شده در آن کتاب را همراه با جواب آن، خدمتتان ارسال می‌شود:

سؤال: اگر انبیاء در همه ی مراحل معصومند، چرا خود قرآن تعبیراتی دارد که در ظاهر مخالف عصمت آنهاست. مثل این آیه که می فرماید: «وَ عَصِي آدَمُ رَبَّهُ فَغَوِي» [۱] و آدم عصیان کرد و ضرر کرد.

جواب: در جواب به این سؤال به موارد زیر باید توجه کرد:

۱- عصیان یعنی مخالفت با امر، و امر یا ایجابی و مولوی است که مخالفت با آن، منافی عصمت است. مثل مخالفت با دستور نماز خواندن. و یا امر خدا نُدبِی و ارشادی است که مخالفت با آن، منافی عصمت نیست. مثل مخالفت با اینکه می گویند مستحب است قبل و بعد از غذا کمی نمک بخورید.

۲- غوايه: یعنی خسران، یعنی ترك امر «ندبی» که موجب فوت فضیلت و ایجاد خسران است، پس آیه می فرماید: آدم با امر ارشادی خدا مخالفت نمود و ضرر کرد و مخالفت با امر ارشادی خداوند منافی عصمت نیست.

علاوه بر موارد فوق باید متوجه باشید که آدم در آن شرایط در بهشت برزخ نزولی بود - بهشتی که شیطان هم در آن بود - در آن عالم و مقام، هنوز تکلیف و تشریح نبوده تا تخلف و عصیان از شریعت مطرح باشد. در نتیجه آن معصیت و گناه در آن مقام، ضد شریعت نبود که زایل کننده ی عصمت باشد

و تازه بعد از این تخلف بود که دستور آمد: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا، فَمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدًى فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» [۲] به آنها گفتیم همگی از بهشت خارج شوید، پس چون از طرف من برای شما هدایتی آمد، پس هرکس که از هدایت من پیروی کرد، او را خوف و حزنی نیست. تازه در این آیه و بعد از هبوط از بهشت خبر از آمدن شریعت می دهد و هدایت مطرح می شود. پس قبل از آن که در زمین هبوط کنند، شریعتی مطرح نبوده تا تخلف از آن مطرح باشد و عصیان صورت گیرد. از طرفی اگر عصیان آدم در مقابل امر مولوی بود باید پس از توبه باز به بهشت برمی گشتند، زیرا توبه از گناه مولوی و برگشت به حکم مولا، شخص را به شرایط قبل از گناه برمی گرداند. پیامبر (ص) در این رابطه می فرماید: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ» [۳] توبه کننده از گناه مثل آن است که گناهی برای او نیست. درحالی که آدم و حوا پس از توبه از بهشت خارج شدند، پس عصیان آنها در مقابل امر مولوی نبود. مثل اینکه اگر يك کودک در مقابل توصیه ی پدرش که به او می گوید دست به آتش نزن و گرنه می سوزی، پس از دست زدن و سوختن، توبه کند و بگوید غلط کردم، این نوع توبه و پشیمانی چیزی از سوختن او نمی کاهد. گناه آدم نیز از همین سنخ گناه بود که در مقابل امر ارشادی خدا آن را انجام داده و به همین جهت هم پس از اینکه آدم توبه کرد، باز حکم خروج از بهشت تغییر نکرد و آثار این عصیان بر او جاری شد. پس گناه در مقابل امر مولوی نبود که منجر به از بین رفتن عصمت شود.

موضوع دیگری که می توان در مورد آدم با نعمتی بیشتر دنبال کرد مسئله ی آدم است در دو مقام، یکی قبل از هبوط به زمین و حضور در مقام بهشتِ برزخ نزولی که آنجا مقام «آدمیت» مطرح است. در واقع آن آدم حقیقت همه ی انسانها است و به همین جهت شیطان پس از هبوط از بهشت با آدمیت دشمنی کرد و نه با آدم، چون در آن بهشت هم با آدمیت روبه رو بود. به همین دلیل دشمنی شیطان با فرزندان آدم که حامل مقام آدمیت هستند هنوز ادامه دارد. یکی هم علاوه بر این مقام که مقام آدمیت است، موضوع شخص حضرت آدم است که بعد از هبوط به عنوان ابوالبشر با او روبه روئیم که او اولین پیامبر است.

قرآن در مورد دشمنی شیطان با فرزندان آدم می گوید: «قَالَ ارْأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْت عَلَيَّ، لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَي يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا» [۴] شیطان گفت: آیا این (آدم) همان است که بر من برتری دادی؟ اگر به من فرصت دهی تا روز قیامت حتماً دهنه به فرزندان او می زنم مگر عده ی کمی از آنها را. در مورد تعلیم اسماء به آدم هم می فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» [۵] که مسلم این آدم که مفتخر به تعلیم اسماء شده، شامل حضرت حواء و همه ی انسان ها می شود. یعنی در واقع حقیقت آدم یا آدمیت است که مورد تعلیم اسماء قرار می گیرد که آیه ی اول سوره ی نساء به آن اشاره دارد و می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً» ای مردم نسبت به پروردگارتان تقوا پیشه کنید، پروردگاری که شما را از نفس واحد خلق

کرد و از آن نفس، زوجش را نیز آفرید و از آن دو، مردان و زنان کثیری به وجود آمد. این نفس واحده همان حقیقت آدم یا آدمیت است.

حاصل سخن اینکه آدم در مقام بهشت اولیه، به عنوان آدمیت مطرح است و آن حقیقت همه ی انسانها است، یعنی همه ی انسانها آن عالم را داشته اند و همه به شجره ی ممنوعه نزدیک شده اند و در نتیجه همه از بهشت خارج شدند و در زمین هبوط کردند تا از طریق زندگی زمینی هرکس مقام و منزلت حقیقی خود را کسب نماید و به بهشت و یا جهنمی برگردد که خودش در زندگی زمینی برای خود ایجاد می کند.^[۶]

۲- در مورد حضرت یوسف «علیه السلام» در ادامه ی آیه هست که اگر نور پروردگار خود را نمی یافت، یعنی آن نور پروردگار منجر می شود که مرتکب آن گناه نشود و همین نور و بصیرت موجب عصمت همه ی اولیای الهی است. ۳- بحثی در کتاب «مبانی نظری نبوت و امامت» می باشد تحت عنوان «اشکال در مورد عصمت سایر پیامبران» در صفحه ی ۳۵ کتاب و خوب است که به آن جا رجوع فرمایید. کتاب بر روی سایت هست. موفق باشید

[۱] (۲) - سوره ی طه، آیه ی ۲۱.

[۲] (۱) - سوره ی بقره، آیه ی ۳۸.

[۳] (۲) - إرشاد القلوب إلی الصواب، ج ۱، ص: ۱۸۰.

[۴] (۱) - سوره ی إسرائ، آیه ی ۶۲.

[۵] (۲) - سوره ی بقره، آیه ی ۳۱.

[۶] (۱) - در رابطه با موضوع آدمیت در بهشت متوانید به کتاب «هدف حیات زمینی آدم» از همین مؤلف رجوع فرمایید.